Theories and criticism in Arabic literature
The Second Year, Issue ٦, Summer ١٤٠١
Pp: ٨٧-١٠٢

Research Paper
DOI: ١٠,٢٢٠٣٤/ JRAL.٢٠٢٥,٥٢٥٩٢٩,١٠٦٠

Discourse Analysis of Criticism in Hafez Ibrahim's Ode on the Education of Girls

Mahdieh Zamani [١]

Nasrin Abbasi [٢]

(Received:٢٠٢٥,٠٥,٢٦ ,Accepted:٢٠٢٥,٠٨,٢٥)

Abstract

Analytic discourse is one of the valuable topics of modern criticism, which examines the elements of language, poetry music (both verbal and spiritual music), imagery, emotion or human experience, and finally the intertextual element to show the beauty of an ode. Hafez Ibrahim is one of the great poets of the movement era in Egypt. He paid attention to national and social issues in his poems; To the extent that he has become famous as a nationalist and social poet. The ode "Tarbia Al-Banat" is one of his famous odes, and as the name suggests, he wrote it in the context of the education of girls with political and social themes. The preceding sentences are also an introduction to address the main purpose of the poem. The use of the "perfect" weight, which is one of the subtle and widely used weights of contemporary literature, along with the verbal and spiritual music in the ode, as well as simple and pleasant words, phrases and verbs, the literary arrays in the ode, in addition to referring to the current issues of the society in the form of Perceptible imagery and intertextual elements have all added to the dynamism of this ode and doubled its beauty.

Key words: exploratory discourse, poetry criticism, ode to the training of al-banat, poetry music, Hafez Ibrahim.

---

١. PhD student in Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran, Email: sh.zamani٨٧@gmail.com

٢. PhD in Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran, Email: nasrinabasi١٠@yahoo.com

© **The Author(s).** **Publisher**: Kosar University

التنظيرات و النقد فی الأدب العربي
السنة الثانية، العدد ٦، صيف ١٤٠١
صص: ١٠٢-٨٧

DOI: ١٠,٢٢٠٣٤/ JRAL.٢٠٢٥,٥٢٥٩٢٩,١٠٦٠

گفتمان‌کاوی نقد در قصیده تربیهٔ البنات حافظ ابراهیم

مهدیه زمانی [۱]

نسرین عباسی [۲]

(تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۳/۰۵ ، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳)

چکیده

گفتمان‌کاوی از جمله مباحث ارزشمند نقد نوین است که عناصر زبان ، موسیقی شعر (اعم از موسیقی لفظی و معنوی) تصویرپردازی، عاطفه یا تجربه‌ی بشری و در آخر عنصر بینامتنی را بررسی می‌نماید تا زیبایی یک قصیده را نشان دهد. حافظ ابراهیم یکی از شاعران بزرگ عصر نهضت در مصر است. او در اشعار خود به موضوعات ملی و اجتماعی اهتمام ورزیده ؛ تا آنجا که به عنوان شاعر ملی‌گرا و شاعر اجتماع شهرت یافته است . قصیده «تربیهٔ البنات» یکی از قصاید مشهور اوست و همانگونه که از نامش پیداست، آن را در زمینه تربیت دختران و با محورهای سیاسی و اجتماعی سروده است. او پانزده بیت از یک قصیده چهل و شش بیتی را به موضوع تربیت دختران اختصاص داده است و ابیات پیشین نیز حکم مقدمه‌ای برای پرداختن به غرض اصلی قصیده هستند. استفاده از وزن«کامل» که از اوزان لطیف و پرکاربرد ادبیات معاصر است، همراه با موسیقی لفظی و معنوی موجود در قصیده و نیز الفاظ، عبارات و افعال ساده و دلنشین، آرایه‌های ادبی موجود در قصیده ، به علاوه اشاره به موضوعات روز جامعه در قالب تصویرپردازی محسوس و عنصر بینامتنی، همگی بر پویایی این قصیده افزوده و زیبایی آن را دو چندان کرده است.

واژگان کلیدی: گفتمان‌کاوی، نقد شعر، قصیده تربیهٔ البنات، موسیقی شعر، حافظ ابراهیم.

---

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران،، ایمیل: sh.zamani۸۷@gmail.com

۲.. دکتری زبان و ادبیات عرب، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران، ایمیل: nasrinabasi۱۰@yahoo.com

© حق مولف نویسندگان **ناشر:** دانشگاه کوثر

۱. مقدمه

قصیده تربیهٔ البنات یکی از قصاید مشهور شاعر مشهور مصری، حافظ ابراهیم است. این قصیده معمولاً در بیشتر کتاب‌هایی که منتخبات شعری شاعران معاصر را انتخاب و گلچین می‌کنند، موجود است؛ چرا که حاوی پیام‌های اخلاقی بسیاری در رابطه با اندیشه مطرح شده در جهان عرب قرن بیستم و نیز اندیشه‌های مخالف آن می‌باشد.

این مقاله بر آن است تا برای فهم بهتر و شناسایی ارزش یک متن ادبی، آن را با روش گفتمان‌کاوی مورد بررسی قرار دهد و عناصر اساسی گفتمان‌کاوی شعر و معیارهای آن را در یک قصیده مشهور، تحلیل کند؛ به گونه‌ای که بتوانیم آن را بهتر و زیباتر بازخوانی نماییم.

سؤالات این پژوهش عبارتند از:

۱) چه عواملی باعث زیبایی و شهرت روز افزون این قصیده شده است؟

از جمله عواملی که بر زیبایی و شیوایی این قصیده افزوده است، می‌توان به مواردی همچون بکارگیری عبارات و کلمات لطیف که با روحیه زنان متناسب است، و همچنین توجه به موضوعات روز و مهم جامعه اشاره کرد.

۲) عناصر ادبی گفتمان شعری چگونه در خدمت بیان معانی قرار گرفته‌اند؟

چنین به نظر می‌آید که شاعر عناصر گفتمانی شعر را در خدمت معنای اعتدال در برخورد با موضوع زن در جامعه قرار داده است تا اندیشه‌های افراطی امروزی و کهنه‌گرای قدیمی را که شأن و منزلت زن را نادیده انگاشته‌اند، رد نماید.

پیشینه‌ی تحقیق :

از مهم‌ترین منابعی که در نگارش این مقاله بسیار مفید واقع شد، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. فرامرز میرزایی و ناهیدنصیحت، (۱۳۸۴)، روش گفتمان‌کاوی شعر، مجله‌ی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره چهارم.

۲. محمدرضا شفیعی کدکنی، (۱۳۸۴)، موسیقی شعر، چاپ هشتم، تهران، انتشارات آگاه.

۳. ابراهیم زارعی‌فر، ۱۳۸۶، الموسیقی فی الشعر الاجتماعی عند حافظ ابراهیم، مجله‌ی ایرانی زبان و ادبیات عربی، دوره سوم، شماره هفتم. مهم‌ترین مشکل در نگارش این مقاله یافتن منبعی بود که پیرامون جنجال‌های سیاسی و اجتماعی بعد از مطرح شدن کشف حجاب، تحقیق کرده باشد.

۱-۱. حافظ ابراهیم و شعر

حافظ ابرهیم در سال ۱۸۷۲ م. دیده به جهان گشود (الفاخوری،۱۳۸۲:۱۳۶). او با بزرگان علم و ادب که شهره‌ی عصرشان بودند، رابطه‌ی نزدیکی داشت. اسماعیل صبری مشهور به شیخ الشعراء، محمود سامی البارودی و شیخ حسین مرصفی ازجمله اساتید

برجسته حافظ بودند؛ البته او در میان اساتید خویش، علاقه‌ی وافری به شیخ محمد عبده داشت. او خود را شاعر شیخ عبده می‌دانست (فلاحی، بی‌تا).

شعر او در یک نقطه از شعر شاعران پیش از خود متمایز می‌گردد، و آن توجه شاعر به توده مردم است نه توجه به طبقه خاص. از این رو است که زبان شعرش ساده است به طوری که به فهم عامه مردم نزدیک است (غیبی، بی‌تا). حافظ به حق شاعری ملی بود، در واقع، حس میهن‌دوستی، عاطفه‌ی دینی وگرایش به توده‌های مردمی، ازجمله عواملی بود که او را به میدان مبارزه در راه ارتقا و شکوفایی ملت می‌کشاند (فلاحی، همان). و شاید همین دلیل باعث شد تا شعرش وضوح بیشتری داشته باشد و فهم و درکش آسان‌تر باشد، او شعرش را در قالب‌های قدیمی می‌سرود (شوقی، ۱۰۷:۱۹۶۱).

در مورد حافظ ابراهیم و تجدید در شعر او، «احمد امین» در مقدمه دیوان شاعر، سخنانی درخور توجه دارد. او می‌نویسد: «حافظ ابراهیم در اوزان شعری و همچنین در اسلوب، تعبیر، اندیشه و خیال تجدید و نوآوری نداشته است؛ اما تجدید و نوآوری او در چیزی است که برتر و بالاتر از همه‌ی آنها است و آن نوآوری درموضوع و اغراض شعری است. برتری این شاعر بیشتر به اشعار سیاسی و اجتماعی او بازمی‌گردد» (خفاجی،۱۹۹۲:۱۱۷–۱۸؛ غیبی، بی‌تا).

۲–۱. مفهوم گفتمان‌کاوی

گفتمان و گفتمان‌کاوی از جمله مباحث مهم نقد نوین است. نظریه‌پردازان، تعاریف گوناگونی از این اصطلاح با الفاظ متفاوت ولی معانی تقریباً یکسان ارائه کرده‌اند: «گفتمان قطعه‌ای از زبان با معناست که اجزای آن به نحوی با هم مرتبط‌اند و هدف خاصی دارد». به عبارتی دیگر «گفتمان، محصول ارتباط و تعامل مباشران گفتگو در بافتی اجتماعی و فرهنگی است» (میرزایی،۱۳۸۴). ناقدانی که درباره گفتمان سخن گفته‌اند، ارکان و عناصر گوناگونی را به عنوان مهم‌ترین جنبه‌های آن بیان کرده‌اند. از نظر آنان، دو عنصر کلیدی که مستلزم توجه کافی است و در تحلیل یک گفتمان باید به آنها توجه کرد، بافت متن و بافت موقعیت است. منظور از بافت متن (context) این است که یک عنصر زبانی در چارچوب چه متنی قرار گرفته و جملات قبل و بعد آن عنصر در داخل متن چه تأثیری در تبلور صوری، کارکردی و معنایی آن دارد. در بافت موقعیتی (context of situation) که از آن به بافت غیرزبانی هم یاد می‌کنند، یک عنصر یا متن در چارچوب موقعیت خاصی که تولید شده است، مد نظر قرار می‌گیرد. بافت‌های فرهنگی، اجتماعی، محیطی و سیاسی همگی از این نوع هستند. این دو بافت را «کاربرد زبان، شناخت و تعامل در بافت‌های اجتماعی و فرهنگی» نیز نام برده‌اند (میرزایی، همان).

درگفتمان‌کاوی یک شعر لازم است چهار محور اساسی زبان، موسیقی، تصویرگری (تصویر پردازی) و تجربه‌ی بشری (ساخت عاطفی) به علاوه‌ی موضوع بینامتنی مدنظر قرارگیرد (میرزایی، همان).

۱–۲–۱. قصیده تربیۀ البنات:

در این قصیده که به شیوه قصاید عصر عباسی و جاهلی آغاز شده، وحدت موضوع وجود ندارد. حافظ ابراهیم در ابتدای قصیده از موضوعات اخلاقی در انواع مختلف آن سخن می‌راند و سپس به اصل موضوع که عنوان قصیده نیز از آن گرفته شده، می‌پردازد.

این قصیده در ۴۶ بیت سروده شده است. حافظ ابراهیم در آن به بیان مکارم و فضایل اخلاقی پرداخته و در پانزده بیت پایانی، مسائل مربوط به بانوان مخصوصاً تربیت آنها را مورد بررسی قرار داده است. قصیده با این ابیات شروع می‌شود:

کَم ذا یُکابد عاشقٌ و یُلاقی فی حبّ مصرَ کثیرهٔ العُشّاقِ

چقدر عاشق وطن در محبت مصری که دارای عاشقان فراوان است، رنج‌ها را تحمل کرده و سختی‌ها را به جان خریده است.

إنّی لأحملُ فی هواک صبابهٔ یامصرُ قد خرجت عَن الأطواقِ (ابراهیم،۲۰۰۴:۲۹۷).

ای مصر من در عشق تو بار محبتی را به دوش می‌کشم که تحمل آن از توانایی من خارج است.

موسیقی از عناصر مهم گفتمان شعری و از ارکان اصلی گفتمان‌کاوی یک قصیده است. موسیقی در شعر دو نقش عمده دارد: ۱) لذت بخش است. ۲) می‌تواند به تقویت معنا و استحکام ارتباط کمک کند (میرزایی، همان). موسیقی شعر چندین جلوه و چشم‌انداز دارد که عبارتند از: ۱- موسیقی بیرونی شعر: منظور از موسیقی بیرونی شعر، جانب عروضی وزن شعر است. ۲- موسیقی کناری شعر: منظور از موسیقی کناری، عواملی است که در نظام موسیقایی شعر دارای تأثیر است؛ ولی ظهور آن درسراسر بیت یا مصراع قابل مشاهده نیست و آشکارترین نمونه آن قافیه است (شفیعی کدکنی،۱۳۸۴:۳۹۱). ۳- موسیقی درونی شعر: منظور از موسیقی درونی شعر، مجموعه هماهنگی‌هایی است که از رهگذر وحدت یا تشابه یا تضاد صامت‌ها و مصوت‌ها درکلمات یک شعر پدید می‌آید و اگر بخواهیم از انواع شناخته شده آن نام ببریم، انواع جناس‌ها را باید یادآور شویم. این قلمرو موسیقی شعر، مهم‌ترین قلمرو موسیقی است و استواری و انسجام و مبانی جمال شناسی بسیاری از شاهکارهای ادبی، درهمین نوع از موسیقی نهفته است (همان،۳۹۲). ۴- موسیقی معنوی شعر: همانگونه که تقارن‌ها، تضادها و تشابهات در حوزه آواهای زبان، موسیقی اصوات را پدید می‌آورد، همین تقارن‌ها، تشابهات و تضادها در حوزه معنایی و ذهنی، موسیقی معنوی را سامان می‌بخشد. بنابراین همه ارتباط‌های پنهانی عناصر یک بیت یا یک مصراع و از سوی دیگر، همه عناصر معنوی یک واحد هنری (مثلاً یک غزل یا یک قصیده و یا منظومه، خواه کلاسیک و خواه مدرن) اجزای موسیقی معنوی آن اثرند و اگر بخواهیم از جلوه‌های شناخته شده اینگونه موسیقی چیزی را نام ببریم، بخشی از صنایع معنوی بدیع - از قبیل تضاد و طباق و ایهام و مراعات نظیر- از معروفترین نمونه هاست (همان،۳۹۳).

وزن موسیقی جزء جدایی‌ناپذیر تولید شعر است. در تحلیل وزن شعری می‌توان پی برد که وزن چگونه بر معنا تأکید می‌کند و یا عاطفه چگونه در وزن و نغمه مؤثر است و این نغمه خود، چطور بیان‌کننده شخصیت شاعر است (میرزایی، همان).

بر این اساس، بسیاری از شاعران به انتخاب وزن و واژه‌های آهنگین اهتمام ویژه‌ای ورزیده‌اند. حافظ ابراهیم از جمله شاعرانی است که به این امر نگاهی ویژه دارد. این شاعر در انتخاب اوزان شعری هماهنگ با موضوع، موفق بوده و از واژه‌های آهنگین مناسب با محتوای شعر خود نیز به نیکی بهره برده است. او همچنین در موسیقی معنوی که از آرایه‌های معنوی حاصل می‌شود، موفق عمل نموده است (زارعی فر،۱۳۸۶).

بیت اول این قصیده را تقطیع می‌کنیم:

کم ذا یُکابد عاشقٌ و یُلاقی فی حبّ مصرَ کثیرۀ العُشّاقِ

– – U– /UU– U– – – – –/– U —/UU – U– /U U– –

مُتفاعلن،متَفاعِلن، مُتَفاعِل متفاعلن، متَفاعلن، متفاعل (مفعولن)

وزن این بیت، بحر «کامل» (أحذ مضمر) است که نرم و لطیف است (الطیب،۱۵۸:۱۹۷۰). این وزن از اوزانی است که در نزد شاعران معاصر بسیار کاربرد دارد؛ زیرا بحر ساده‌ای است که دارای موسیقی و آهنگ فراوانی نیست (پیچیدگی و غموض ندارد). نرمی و خوش آهنگی و لطافت الفاظ مهم‌تر از پیچیدگی و تراکم تصاویر عقلی و معانی متکلف و پیچیده است (همان،۱۶۹–۱۷۰).

بنا به گفته‌های «عبدالله طیب»، می‌توان اینگونه استنباط کرد؛ وزن کامل با موضوع این قصیده که یک موضوع اجتماعی است، تناسب دارد. به کار بردن چنین اوزانی که بیشتر در موضوعات ملی و اجتماعی به کار می‌روند، باعث شده وی به عنوان شاعر ملی شناخته شود.

قافیه، اساس شعر عربی و یکی از عناصر اصلی آن به شمار می‌رود. بستانی می‌گوید: «در زبان عرب شعر بدون قافیه تناسب ندارد زیرا زبانی است قالبی و آهنگین، و لازم است که قیاس و آهنگ در آن رعایت شود» (شفیعی کدکنی،۱۱۲). قافیه با تأثیر موسیقایی، تشخیصی که قافیه به کلمات خاص هر شعر می‌بخشد، لذتی که قافیه از برآورده شدن یک انتظار به وجود می‌آورد، زیبایی معنوی یا تنوع در عین وحدت، تنظیم فکر و احساس، استحکام شعر، کمک به حافظه و سرعت انتقال، ایجاد وحدت شکل در شعر، جدا کردن و تشخص مصراع‌ها، کمک به تداعی معانی، توجه دادن به زیبایی ذاتی کلمات، تناسب و قرینه‌سازی، ایجاد قالب مشخص و حفظ وحدت، توسعه تصویرها و معانی و نیز القاء مفهوم از راه آهنگ کلمات، باعث زیبایی موسیقی کناری شعر می‌شود (همان،۶۲).

در اصطلاح عربی، به اولین حرف ساکن به همراه علامت متحرک قبل از کلمه آخر هر بیت که گاهی یک کلمه و گاهی بخشی از یک کلمه است، قافیه می‌گویند (طهرانی،۱۰:۱۹۹۲). هنگامی که این تعریف قافیه را بر روی بیت اول این قصیده پیاده می-کنیم،کلمه آخر بیت اول، واژه (العشاقِ) است، حرف (الف) اولین حرف ساکن از آخر کلمه و فتحه ما قبل، ازحرف متحرک است. پس قافیه، حروف(اقِ) است که در تمام ابیات تکرار شده است.

آخرین حرف قافیه (ق) از نظر لفظ بر شدت و تندی دلالت می‌کند (عباس،۱۴۵:۱۹۹۸). حرکت آخرین حرف (ق) کسره است که دلالت می‌کند بر سقوط. این استعمال شاید دلالتی است بر تباهی، پوچی و شکست ادعای سردمداران بی‌حجابی در مصر.

گذشته از آن در مصراع نخست بیت اول قصیده، کثرت مصوت‌ها به حالت جمود و رکود قصیده افزوده است. گویا شاعر می‌خواهد مشکلاتی را که عاشق مصر با آنها مواجه است، با این مصوت‌های بلند به تصویر کشد (زارعی فر، همان). وی در ابیات آغازین این قصیده به خاطر مشکلاتی که برای جامعه آن روز مصر پیش آمده، از دل آهی بر می‌کشد و با حروفی که دلالت بر شدت و تندی می‌کند، این احساس درونی خود را بیان می‌کند.

۲-۲-۱. مناسبت (موقعیت) قصیده

شاید بتوان گفت: این قصیده که حافظ ابراهیم آن را در جشن کمک به مدرسه دخترانه در پورسعید در (۲۰ مایو،۱۹۱۰) سروده، نزدیک‌ترین نمونه روح گرایش به تجدید به شمار می‌آید که در آن، دیدگاه اجتماعی و سیاسی با یکدیگر جمع و ترکیب شده است (مقالح،۳۱:۱۹۸۸). عنصر بافت موقعیت – متن در چارچوب موقعیت خاصی که تولید شده است– در این ابیات قصیده مشهود است. بررسی موضوع زن و تلاش برای ایجاد ارتباط میان این مسأله و موضوع آزادی، آن هم تا این اندازه با نوگرایی و نوآوری در موضوعات معاصر، خود دلیلی عینی است بر تلاش حافظ ابراهیم برای رهایی از تقلید، تکرار و پیروی از موضوعات قدیمی (مقالح، همان:۳۲). و درعین حال دیدگاه و نگرش فردی او را در قبال موضوع زن و جایگاه وی در اجتماع بیان می‌کند.

او در ادامه می‌گوید:

و تهزُّني ذكري المُروءة و النَدي بينَ الشمائل هزَّةَ المُشتاقِ

یاد جوانمردی و بخشش در میان فضائل مختلف، مرا مثل یک فرد مشتاق به هیجان می‌آورد.

کلماتی چون (المروءة و الندی و..) که از جمله خصایل جوانمردی است، علاوه بر دارا بودن آرایه ترادف، تداعی‌کننده اخلاق نیکو و پسندیده است.

فاذا رُزِقتَ خليقةٌ مَحمودةٌ فَقد اصطفاكَ مُقسِّم الارزاقِ

اگر اخلاق نیک و پسندیده‌ای به تو عطا شده، بدان که خداوند روزی‌رسان، تو را برگزیده است (ابراهیم، همان:۲۷۹).

حافظ همواره علم را درکنار مسأله‌ی اخلاق نیکو و صالح مطرح کرده است و این دو عنصر را مکمل یکدیگر قلمداد می‌کند؛ لذا در ابتدا مخاطبان را به داشتن اخلاق نیکو و پسندیده و خصلت جوانمردی و بخشندگی سفارش می‌کند؛ آنگاه با بینشی عمیق‌تر، آراسته بودن فرد به زینت خلق نیکو را نعمتی از جانب خالق یگانه می‌داند؛ خداوندی که تقسیم کننده رزق و روزی بندگانش بوده و هریک را به طریقی شامل لطف و رحمت بی‌کران خویش می‌گرداند (فلاحی، همان).

این مقدمه‌چینی در گفتمان‌کاوی یک شعر و در قسمت بافت متن ، مورد بررسی قرار می‌گیرد. همانگونه که ملاحظه گردید، شاعر در ابیات پیشین از مکارم اخلاقی سخن رانده و آنها را درحکم مقدمه‌ای برای ورود به اصل متن قرار داده است.

عنوان قصیده با توجه به این پانزده بیت پایانی که تنه اصلی آن نیز هست، انتخاب شده است:

مَن لي بتربية النساءِ؟ فإنَّها في الشرق علةُ ذلک الاخفاقِ (ابراهیم، همان).

چه کسی متعهد به تربیت زنان در {جامعه} می‌شود؟ چرا که فقدان تربیت در آنان به عقب‌ماندگی و تنزل در جوامع شرقی منجر می‌شود.

اولین عنصری که در گفتمان ادبی مورد توجه قرار می‌گیرد، زبان ادبی شعر است. اساس تجربه‌ی شعری همان تجربه‌ی زبانی است. متن فقط در مقام گفتار وجود دارد و بس. واژه‌ها عنصراساسی زبان و شالوده‌ی اصلی شعرند و افکار و احساسات درون آنها پنهان است. گفتمان ادبی، قبل از هر چیز، بازی با این واژه‌ها به منظور بروز آن افکار و احساسات است (میرزایی، همان).

اولین عنصری که در گفتمان ادبی مورد توجه قرار می‌گیرد، زبان ادبی شعر است. اساس تجربه‌ی شعری همان تجربه‌ی زبانی است. متن فقط در مقام گفتار وجود دارد و بس. واژه‌ها عنصراساسی زبان و شالوده‌ی اصلی شعرند و افکار و احساسات درون آنها پنهان است. گفتمان ادبی، قبل از هر چیز، بازی با این واژه‌ها به منظور بروز آن افکار و احساسات است (میرزایی، همان).

«شکلوفسکی» ساخت صرفی، نحوی و بلاغی کلمات را درتحلیل گفتمان شعر، معیار دانسته و وجه امتیاز شاعران را در کاربردهای زبانی می‌داند که آنان را از یکدیگر متمایز می‌کند (همان). به مصراع اول، بیت اول، مقطع اصلی (تنه اصلی) این قصیده که توجه کنیم، متوجه می‌شویم حافظ ابراهیم تنه اصلی قصیده را با یک سوال (استفهام) شروع کرده است. «من لی بتربیۀ النساء؟» این نحوه شروع کلام – آمدن جمله استفهامی در آغاز – علاوه بر این که اهمیت جمله را نشان می‌دهد و با الفاظی ساده بیان شده است، دارای معنا و مفهوم زیبایی است که دغدغه‌ی فکری حافظ ابراهیم را نشان می‌دهد. او در مصراع بعد دلیل پرسیدن این سوال را مطرح می‌کند.

وی در این بیت به طرز فکر انسان‌های مشرق زمین مخصوصاً اعراب عصر جاهلیت و دوره قبل از اسلام اشاره می‌کند که زنان از نعمت تعلیم و تربیت محروم بودند و این موهبت فقط از آن مردان بود؛ در صورتی که حافظ ابراهیم به عکس این قضیه اعتقاد دارد؛ چرا که او زن را مربی فرزندانی می‌داند که برای زندگی فردا آماده می‌شوند (میرممتاز، بی‌تا) دربیت بعد، او به مسأله تعلیم و تربیت اشاره می‌کند که در اسلام نیز بدان بسیار تأکید شده. ابراهیم معتقد است که اگر این تربیت، صحیح و درست صورت بگیرد، ملتی پاک و اصیل تربیت شده و سنگ بنای ساختن جامعه محکم گذاشته می‌شود (میرممتاز، همان).

الأمُ مدرسة إذا أعددتَها أعددتَ شَعباً طيبَ الأعراقِ (ابراهیم،همان:۲۷۹).

مادر همچون مدرسه‌ای است که اگر او را {با علم و فرهنگ} تربیت کنی؛ ملتی پاک و شریف تربیت کرده‌ای.

در این بیت از آرایه «تشابه الاطراف لفظی» استفاده شده است؛ «اعددتها» در پایان مصراع اول به کار برده شده و در آغاز مصراع دوم همان بیت نیز از آن استفاده شده است. این آرایه یکی از آرایه‌های لفظی است و در زمره محسنات معنوی محسوب می‌شود که باعث زیبایی لفظی شعر گشته و بر پویایی آن می‌افزاید. همچنین اگر بر نحوه کاربرد فعل‌ها در این قصیده توجه کنیم، به این نکته پی می‌بریم که بیشتر افعال به کار رفته (چه فعل های ماضی و چه مضارع) از نوع افعال ساده هستند. این نکته مؤید روان بودن و عدم ابهام الفاظ به کار رفته، است.

الأمُ روضٌ إن تعهّدَه الحيا بالرّيّ أورقَ أيما إيراقِ (همان).

مادر بسان باغ و بوستانی است که اگر بدان توجه و دقت کنی، برترین و بهترین بهره‌ها را به دست می‌آوری.

در این بیت، صنعت ادبی مراعات نظیر[1] موجود است. واژگان «روض»، «الری»، «اورق» از نظر معنایی و کاربردی با هم استعمال می‌شوند. علاوه بر آن، این واژگان، الفاظ لطیفی هستند که با روحیه زنان نیز متناسب است. بدیهی است که همراه شدن این الفاظ با واژه " الأم" زایندگی و پر ثمر بودن را به عنوان صفت مشترک میان زن و طبیعت به تصویر در می‌آورد.

از سوی دیگر، کلمه «ایراق» مفعول مطلق نوعی از فعل «اورق» است که بر تأکید معنا می‌افزاید.

الأمُ أستاذ الاساتذة الأُلي شغلَت مآثرُهم مدي الآفاقِ (همان).

مادر، استاد اساتیدی است که فضایل پسندیده آنان زبانزد همگان (شهره آفاق) است.

در این بیت، آوردن «أساتذهٔ» بعد از واژه «استاذ»که مفرد آن است، بر زیبایی لفظی و معنایی این بیت افزوده است.

چنانکه مشاهده می کنیم؛ هر سه بیت با واژه «الأم» آغاز شده است و تکرارهای متوالی و پیاپی در آنها دلیل بر اهمیت موضوع است. تشبیه مادر به مدرسه و سپس باغ، در حقیقت بیانگر توجه به تربیت صحیح زنان و تشبیه او به استاد، اشاره به تربیت انسانهای برجسته توسط مادر است. به عبارت دیگر، بیت اخیر به منزله نتیجه و دستاورد دو بیت پیشین است.

أنا لاأقولُ دعواالنساءَ سوافراً بينَ الرجالِ يَجُلن في الأسواقِ

من نمی‌گویم: بگذارید زنان، بی‌حجاب در بین مردان جامعه حضور داشته باشند.

يدرُجن حيثُ أردنَ لا من وازعٍ يحَذرنَ رقبته ولا مِن واقي (همان،۲۸۰).

بدون هیچ مانع و مراقب و محافظی هرجا که خواستند آمد و شد کنند.

استفاده از کلمات و واژه‌های مترادف (از نظر معنا) مانند «وازع و واقی» در این بیت، در تقویت معنا و میزان نفوذ در مخاطب، مؤثر است.

در دو بیت اخیر، هریک از فعل‌های «یجلن» و «یدرجن» وابسته‌ای دارند که تأکیدکننده‌ی مفهوم فعل است. در بیت نخست، شبه جمله «فی الاسواق» مفهوم گشت‌وگذار در «یجلن» را پررنگ‌تر می‌سازد و در بیت دوم «حیث اردن» مفهوم «به راه افتادن» را تقویت می‌کند.

يَفعلن أفعالَ الرجّالِ لواهياً عَن واجباتِ نواعسِ الأحداقِ (همان).

کارهای مردانه انجام دهند و از انجام کارهای مربوط به بانوان غافل شوند.

«نواعس الأحداق» کنایه موصوف[۲] از زنان است و میان دو کلمه «لواهیا» و «واجبات» نوعی تضاد معنوی وجود دارد که مفهوم بیت را عمیق‌تر ساخته است؛ چرا که قرارگرفتن مفاهیم «غفلت و بی‌اعتنایی» در کنار «وظیفه و تکلیف» بیانگر اهمیت مسأله است.

شاعر، زنان و جایگاه و مسئولیت خطیر آنان را در جامعه همچون مردان میدان مبارزه می‌داند و می‌گوید:

في دورِهن شئونُهنّ كثيرةً كشئوؤنِ ربِّ السيفِ والمِزراقِ (همان).

آنها در خانه‌های خود، مسئولیت بزرگی بر دوش دارند که همچون مسئولیت مردان جنگ است.

تصویرگری یکی از عناصر گفتمان‌کاوی و در واقع، عنصر سوم در تحلیل گفتمان‌کاوی است. تصویرگری شعری (تصویرپردازی) را می‌توان به عنوان ارائه‌ی تجربه‌ی حسی از طریق زبان تعریف کرد. مایه‌ی اصلی تصویرگری، قوه‌ی خیال است. ابزارهای بیانی خیال شامل انواع تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، نماد، تمثیل، پارادوکس (تناقض نمایی) و مانند آن است که برای بیان شاعرانه‌ی ذهنیت شاعر به کار می‌رود و نقش اساسی در زیبایی شعر ایفا می‌کند (میرزایی، همان).

همانطور که گفته شد، تصویرگری همان آرایه‌های ادبی است. این قصیده سرشار از آرایه‌های ادبی است که زیبایی لفظی و معنوی آن را دو چندان کرده است. نمونه‌ها و شواهد این زیبایی‌های ادبی در تعدادی از ابیات پیشین کاملاً به چشم می‌خورد که به برخی از آنها اشاره شد. در این بیت نیز «رب السیف و المزراق» کنایه موصوف از مردان است، چرا که جنگیدن مختص مردان است.

شاید بدین علت حافظ ابراهیم این قصیده را در همایشی که به منظور کمک به تعلیم و تربیت زنان برگزار شده، سروده است تا بیان کند او زن و مرد را در برخورداری از حق آموزش یکسان می‌داند و خواهان آن نیست که زنان در خانه محبوس شوند. وی در ادامه برای بیان نظرات خود، این ابیات را سروده است: (عبدالله، همان:۹۳).

كلاّ و لا أدعوكم أَن تُسرفوا في الحجبِ و التَضييق و الإرهاقِ (ابراهیم، همان:۲۸۲).

هرگز شما را دعوت نمی‌کنم که در حجاب بر آنان سخت‌گیری کنید و آنان را به تنگ آورید.

کلمه «حجاب» مصدر از ریشه «ح ج ب» است که به معنای ستر/ پوشش است. در لسان العرب آمده است: «الحجاب اسمُ ما احتجبَ به، كلُّ ما حالَ بين الشيئين» (ابن‌منظور،۱۳۶۳:۲۹۸). یعنی حجاب نام چیزی است که به وسیله آن خود را می‌پوشانند و هر آنچه که مانع و حائلی بین دو چیز شود، حجاب نامیده می‌شود.

در این بیت سه کلمه «الحجب»، «التضییق» و «الارهاق» به دنبال یکدیگر طوری قرار گرفته‌اند که هر یک، مفهوم شدیدتری نسبت به واژه پیش از خود دارند. اعتقاد شاعر به عدم تندروی در این مسائل، بیانگر اعتدال و میانه‌روی وی می‌باشد. قرار گرفتن این بیت پس از ابیات مربوط به عدم زیاده‌روی در رهایی زنان، نقطه عطفی است جهت تبیین این دیدگاه شاعر.

یکی دیگر از موضوعاتی که در گفتمان‌کاوی شعر مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد، بینامتنی است که به تجربه‌ی بشری و استفاده‌ی آگاهانه و یا ناخودآگاه شاعر از دیگر متون ادبی، فلسفی، تاریخی و.... پیش از وی و یا هم زمان با خود بر می‌گردد (میرزایی، همان).

قبل از وارد شدن به بحث بینامتنی، لازم است گریزی به اهمیت موضوع حجاب زنان در کشورهای عربی بزنیم؛ بعد از حمله ناپلئون به مصر درسال ۱۷۹۸م، اعراب با دنیای غرب آشنا شدند. به دنبال این آشنایی، هیأت‌های علمی از مصر روانه کشورهای غربی مخصوصاً فرانسه شدند (حاج ابراهیمی،۱۳۷۶:۴). رفاعه رافع الطهطاوی از اولین کسانی بود که مشاهدات خود در فرانسه را به رشته تحریر درآورد و در میان نوشته‌هایش اینگونه نوشت: «كي يوقظ من نوم الغفلة سائر أمم الإسلام من عرب و عجم» ایمان وی به پیشرفت و نوگرایی، او را واداشت تا کتاب «المرشد الأمين للبنات و البنين» را نگاشت که در آن با هدف اصلاح جامعه، خواستار تربیت دینی و تعلیم دختران شد (طه،۲۰۰۴:۲۶۴). بعد از او بطرس البستانی اعتقاد داشت؛ اعطای امکاناتی چون تعلیم و تربیت برای زنان ضروری است: «لأنَّ المرأةَ مِن دونِ علم شر عظيم في العالم، إذا لم تكن أعظمَ شر يمكن تصورُه» (همان،۲۶۵).

احمد فارس شدیاق نیز بعد از دیدن پاریس، به موضوع زن پرداخت و در کتاب خود «الساق على الساق فيما هو الفارياق» به حقوق زن عربی اذعان نمود و او را موجودی مساوی با مردان دانست و خواستار حضور او درجامعه شد (همان،۲۶۵-۲۶۶). محمد عبده – به عنوان بزرگ‌ترین مجاهد در زمینه گرایش اسلامی– نیز در تفاسیر و فتواها و مقالاتی که نوشته است، به برخی از مسائل مربوط به زنان پرداخته است (همان، ۲۶۶)

درگیری بین جدید و قدیم، تمامی زندگی عرب قرن بیستم را در برگرفت. موضوع «زن»، «آموزش و تعلیم»، «زبان و ادبیات» از مهم‌ترین زمینه‌هایی بود که اختلاف بر سر آنها به وجود آمد. موضوع زن از همه مباحث جدال برانگیزتر بود . مهم‌ترین کتاب‌هایی که در این مو ضوع تدوین شد، دو کتاب از تألیفات قا سم امین بود که با نام آزادی زن قرین شده بود (حاج ابراهیمی،۱۳۷۶:۲۱۹). وی تقریباً همه تلاش و نیز آثار خود را به این مسأله اختصاص داد و به خاطر مسائل تربیتی که وابسته به تعلیم و تعلم زنان است، منادی تعلیم و تربیت آنان شد (طه، همان:۲۶۶).

وی معتقد بود که اسلام زن و مرد را مساوی قرار داده و بر این باور بود که زنان تا وقتی محجبه هستند، پیشرفت نخواهند کرد. به علاوه، وی حجاب قرآنی را ویژه زنان پیامبر(ص) می‌دانست. او به تفصیل درباره وضعیت تحقیرآمیز زنان مصری سخن گفت و بر لزوم تعلیم و تربیت آنان تأکید ورزید (جعفریان، بی‌تا).

بیت اخیر حافظ ابراهیم (کلاّ ولا أدعوکم....) اشاره‌ای دارد به دو کتاب قاسم امین مبنی بر آزادی زن در جامعه، کشف حجاب و دادن حق ادامه تحصیل به زنان. حافظ ابراهیم در پاسخ به او، دو سال بعد از چاپ کتاب امین، این قصیده را سرود و در آن اعلام داشت که با نظر او در رابطه با تحصیل و تعلیم زنان موافق است تا از آن در تربیت فرزندان بهره بگیرد؛ اما با مسأله کشف حجاب که زنان بدون هیچ مانع و محافظی در بین مردان رفت و آمد کنند، مخالف است (عبدالله، همان:۹۲).

او در این ابیات بر کسانی که سرمدار دفاع از حقوق زن و خواهان کشف حجاب و آزادی مطلق او هستند، می‌شود و چنانکه پیش از این نیز اشاره رفت، میانه‌روی را بر می‌گزیند.

قاسم امین اعتقاد داشت: حجاب علاوه بر زیان‌هایی که دارد، به موجب یک نص شرعی ثابت نشده است؛ بلکه عادتی است که از ملت‌های دیگر گرفته شده است و آن را نیکو دانسته‌اند و در آن مبالغه کرده‌اند و مانند دیگر عادت‌های زیان‌مند، جامه دین بدان پوشانده‌اند در حالی که دین از آن بیزار است (علی مرتضی،۱۳۸۶).

او از جمله گروهی بود که برای اثبات اعتقادات و باورهای خود به آیه های۳۲ و۳۳ و۵۳ سوره احزاب استناد می‌جستند (علی مرتضی، همان) که فرموده است: (یا نساءَ النّبيِّ لَستُنَّ كَاَحَدٍ مِنَ النّساءِ إِن اتّقيتُنَّ فَلا تَخضَعنَ بِالقَولِ فَيَطمَعَ الّذَي في قَلبِهِ مَرَضٌ وَّقُلنَ قَولاً مَعرُوفاً وَقَرنَ في بُيُوتِكُنَّ وَلا تَبَرَّجنَ تَبَرُّجَ الجاهلية الأولي وَأَقَمنَ الصَّلاة...) (احزاب/۳۲-۳۳)

(ای همسران پیامبر! شما مثل هیچ یک از زنان دیگر نیستید. اگر می‌خواهید پرهیزگار باشید، صدا را نرم و نازک نکنید که بیماردلان چشم طمع به شما دوزند؛ بلکه به شیوه پسندیده سخن بگویید. درخانه‌های خود بمانید و همچون جاهلیت پیشین در میان مردم جلوه‌گری نکنید).

شایان ذکر است؛ مصر اولین کشور عربی است که زنان در آنجا به حق سیاسی خود نائل آمدند تا آنجا که در قانون مصوب در تاریخ ۱۹۵۶م. در ماده ۳۱، علاوه بر تأکید به نقش مثبت زنان در جامعه، زنان در مسائل سیاسی صاحب حق شدند (طه، همان:۲۸۱).

تأثیر افکار قاسم امین با انتشار این کتاب در آغاز قرن بیستم، در جهان عرب عمیق وگسترده بود و به دنبال خود دیگر متفکران عرب را برانگیخت تا در این باره به بحث و گفتگو پرداخته، آثاری تألیف کنند (طه، همان:۲۶۸). تا جایی که در رد این کتاب سی کتاب تألیف شد. افکار وی در شعر عصر نهضت نیز تأثیر گذاشت. شعرا در برابر این دعوت موضع‌گیری‌های متفاوت داشتند؛ برخی آن را تأیید و برخی رد کردند. احمد شوقی از جمله کسانی بود که آن را نکوهش کرد و حجاب را زینتی برای زن نامید. حافظ ابراهیم دیدگاه متعادل و میانه‌روی در برابر این دعوت داشت (الدسوقی، بی تا:۶۱-۶۲). او قصیده «تربیهٔ البنات» را سرود که شهرت فراوانی به دست آورد. به عبارت دیگر، ابیات پانزده‌گانه حافظ ابراهیم، رد تند روان و تأیید میانه‌روان و آنانی است که به زن به عنوان یک انسان می‌نگرند:

لیسَت نساؤُکم حُليً و جواهراً خوف َالضیاع تُصانُ في الأحقاقِ (ابراهیم، همان:۲۸۲).

زنان شما بسان جواهر و زینت آلاتی نیستند که آدمی به خاطر ترسِ از دست دادن، آنها را در صندوق و خزانه نگهداری و مراقبت کند.

در این بیت «حلی و جواهر» مراعات نظیر دارد.

ليست نساؤُكم أثاثاً يُقتَني في الدُور بينَ مخادعٍ و طِباقِ (همان،۲۸۳).

زنان شما اسباب و کالایی نیستند که در خانه و اتاق‌ها از آنان مراقبت کنید.

دو بیت حاضر، از لحاظ مفهوم به یکدیگر نزدیک بوده و شاعر در هر دوی آنها مخالفت خود با محدود نمودن بیش از حد زنان را به گونه‌ای حسی تصویرپردازی نموده است.

(حجاب) این واژه عربی، در نگاهی به معنای پوشیدن، پوشش، پرده و حاجب است که البته در این میان، معنای (پرده) بیش‌ترین کاربرد را دارد. همین امر موجب شده است عده‌ای گمان کنند که اسلام خواسته است، زن همیشه پشت پرده و درخانه محبوس باشد و بیرون نرود (گندم آبادی،۱۳۸۴).

سومین رکن زبان گفتمان شعر، تجربه‌ی بشری است. اظهار این تجربه، هدف اصلی و غایت تجربه‌ی زبانی است که تبیین آن در گفتمان کاوی شعری از اهمیت خطیری برخوردار است و همان بافت موقعیتی گفتمان است که شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را در برمی‌گیرد. منظور از تجربه‌ی بشری در اینجا، همه‌ی افکار، قضایا، موضع‌گیری و نگرش‌های فردی یا اجتماعی است که در مضمون و محتوای شعر موجود است. (میرزایی، همان) حافظ ابراهیم در این قصیده مفاهیم سیاسی و اجتماعی چون علم و اخلاق نیکو و تربیت زنان را با هم آمیخته است تا نشان دهد این موضوعات با یکدیگر مرتبط بوده و جدای از هم نیستند.

این دو بیت، هردو با تعبیر (ليست نساؤُكم) آغاز شده و بیانگر این نقطه نظر شاعر است که ارزش وجودی زن بیش از این است که بخواهیم او را به جواهرات قیمتی و یا اسباب و اثاثیه زندگی تشبیه کنیم؛ بلکه ارزش یک زن به دربند نبودن روح و روان و آزادی عمل منطقی اوست. علاوه بر این، استفاده از واژگانی چون (النساء، الأم، البنات، و..) که بارها در این قصیده تکرار شده است، ضمن اشاره به اهمیت جایگاه بانوان در جامعه، به تداعی معانی نیز کمک می‌کند.

تتشكّل الأزمانُ في أدوارِها دولاً و هُنّ علي الجمودِ بَواقي

(نباید چنین باشد که) زمانه همیشه در حال تغییر و تحول باشد و آنها در جمود باقی بمانند.

فَتوسَّطوا في الحالَتَين و أنصِفوا فالشرُّ في التقييدِ و الإطلاقِ

با میانه‌روی و تعادل با آنان برخورد کنید که شر در محبوس نگاه داشتن و آزادی بی‌حصر است.

رَبّواالبناتِ علي الفضيلة إنّها في الموقِفَين لَهُنّ خيرُ وِثاقِ

دختران خود را براساس فضیلت تربیت کنید؛ چراکه فضیلت، در هردو حالت (آزادی و محدودیت) برای آنان بهترین مراقب است.

و عَليكُم أن تَستَبينَ بناتُكم نورَ الهُدي و علي الحَياء الباقي (ابراهیم، همان:۲۸۳).

و بر شما واجب است که آنها را به راه راست و خیر و هدایت و حیای همیشگی، راهنمایی کنید.

در بیت آخر از واژه «علیکم» استفاده شده است که اسم فعل امر به معنی «إلزموا» می‌باشد و امر مهم و خطیری را به مردم جامعه گوشزد می‌کند.

با دقت در سه بیت پایانی قصیده درمی یابیم؛ شاعر در هر سه بیت، فعل امر و یا اسم فعل امر به کار برده و بدین وسیله تجربه و دیدگاه مهم خود را با تأکید و صراحت بیشتری بیان داشته که عبارتست از:

پایبند شدن به میانه‌روی، تربیت زنان بر اساس فضیلت و رهنمون شدن دختران به راه درست و پاکدامنی. به بیانی دیگر، این سه بیت پایانی بمنزله چکیده و عصاره قصیده است.

نتیجه گیری

عناصر مختلف گفتمان‌کاوی شعری در قصیده تربیهٔ البنات نمود بارز دارد. زبان و موسیقی در این قصیده در به کارگیری وزن کامل به عنوان یکی از وزن‌های نرم و خوش آهنگ و نیز استفاده از آرایه‌های لفظی و معنوی ظهور یافته است. به علاوه، به کاربردن مصوت‌های بلند همراه با حرف «ق» (آخرین حرف قافیه) و حرکت کسره به عنوان حرکت حرف قافیه، همگی بر تداعی معنای بیت اول و دیگر ابیات این قصیده کمک می‌کنند. یکی از عوامل مؤثر در زیبایی شعر حافظ ابراهیم توجه به موسیقی شعر است. استفاده از محسنات لفظی و معنوی همچون کنایه، مراعات نظیر، مترادفات، تشابه الاطراف لفظی، صورخیال و مانند آن، همچنین به کاربردن کلمات و ترکیبات ساده و بدون غموض و پیچیدگی به عنوان زبان ادبی این قصیده، تداعی‌گر معانی و مفاهیم مورد نظر شاعر بوده و بر زیبایی و پویایی این قصیده افزوده و در خدمت مفهوم اصلی قصیده قرار گرفته است.

موضع‌گیری حافظ ابراهیم در برابر موضوع اجتماعی زنان، تجربه‌ی عاطفی وی در قصیده تربیهٔ البنات است. این قصیده به فضایل اخلاقی دعوت نموده و ارزش زن شرقی و جایگاه وی را بیان می‌کند. موسیقی، زبان و محسنات ادبی به کار رفته در این قصیده متناسب با روحیه زنان است.

در پانزده بیت پایانی قصیده کاربرد اسم بیشتر از فعل است و در میان اسم‌ها، کاربرد اسم معرفه بیشتر از اسم نکره و کاربرد فعل مضارع –که بر زمان حال دلالت می‌کند– بیش‌تر از فعل ماضی است. این مسأله دلیلی است بر اینکه موضوع مورد توجه در این قصیده، از موضوعات مطرح در جامعه آن روز است.

موضوع بینامتنی یا تناص در این قصیده اشاره دارد به دورانی که روشنفکران غرب زده در کشورهای عربی برای کشف حجاب زن، شعار آزادی سر می‌دادند و نیز بیانگر دیدگاه میانه شاعر و مخالفت وی با اندیشه‌های افراطی در زمینه آزادی زن است.

کلمات آخر هربیت (کلمه قافیه) نشانگر این نکته است؛ در ابیاتی که روی سخن با سردمداران کشف حجاب است، غالبا کلمات خشن مورد استفاده قرار گرفته و زمانی‌که روی سخن با بانوان است، بیشتر کلماتی استفاده شده که دارای بار عاطفی مثبت هستند؛ به عنوان نمونه، لحن سخن در ابیاتی که با واژه «ام» شروع شده، بسیار نرم و لطیف است.

با توجه به مفاهیم تربیتی موجود در قصیده جای دارد که ابیات مهم قصیده در کتب درسی دانش‌آموزان متوسطه دوم گنجانده شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. مراعات نظیر گرد آوردن دو چیز یا چند چیز متناسب است نه از روی تضاد(یعنی تناسب آنها از جهت تضاد نباشد)کنایه از جمله آرایه هایی است که در گروه موسیقی معنوی قرار می گیرد..رک.جواهر البلاغه،ج دوم،۲۵۲

۲. کنایه موصوف کنایه ای است که با ذکر صفت یا ملازم صفت شناخته می شود.

منابع و مآخذ:

۱) قرآن کریم.

۲) ابراهیم، حافظ. (۲۰۰۴). دیوان. دار العودة: بیروت.

۳) حاج ابراهیمی، محمدکاظم. (۱۳۷۶). تاریخ الادب العربی الحدیث. چاپخانه دانشگاه اصفهان: اصفهان.

۴) خفاجی، محمدعبدالمنعم. (۱۹۹۲). دراسات فی الادب العربی الحدیث و مدارسه. دارالجیل. الطبعة الأولی. بی‌جا: بیروت.

۵) الدسوقی،عمر. (بی‌تا). فی الأدب الحدیث. الجزء الثانی. الطبعة السادسة. دارالفکر: القاهرة.

۶) شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۸۴). موسیقی شعر. چاپ هشتم. انتشارات آگاه: تهران.

۷) ضیف، شوقی. (۱۹۶۱). الادب العربی المعاصر فی مصر. الطبعة العاشرة. دارالمعارف، مکتبة الدراسات الأدبیة: القاهرة.

۸) طه، جمانة. (۲۰۰۴). المراة العربیة فی منظور الدین و الواقع، اتحادالکتاب العرب. دمشق: بی‌نا.

۹) طهرانی، نادر نظام. (۱۹۹۲). العروض العربی. الطبعة الاولی. منشورات جامعة العلامة الطباطبایی: طهران.

۱۰) الطیب، عبدالله. (۱۹۷۰). المرشد الی فهم اشعار العرب و صناعتها. الطبعة الاولی. دارالفکر: بیروت.

۱۱) عباس، حسن. (۱۹۹۸). خصائص الحروف العربیة و معانیها. اتحاد الکتاب العرب. مکتبة الاسد: دمشق.

۱۲) عبدالله، محمود. (لاتا). حافظ ابراهیم، دراسة تحلیلیة لسیرته و شعره. بی‌جا: دار الکتب.

۱۳) الفاخوری، حنا. (۱۴۲۴). الجامع فی تاریخ الأدب العربی، الأدب الحدیث. الجزء الثانی. الطبعة الثانیة. منشورات ذوی القربی: قم.

۱۴) مقالح، عبدالعزیز. (۱۹۸۸). عمالقة عند مطلع القرن. الطبعة الثانیة . دار الآداب: بیروت.

۱۵) هاشمی، احمد. (۱۳۸۳). ترجمه و شرح جواهر البلاغة. مترجم حسن عرفان. جلد دوم. چاپ چهارم. قم: نشر بلاغت.

مقالات

۱) جعفریان، رسول. (بی‌تا). «مسأله حجاب و تأثیر اندیشه‌های قاسم امین مصری در ایران». *آینه‌ی پژوهش۷۰*. نقد و معرفی کتاب. صص، ۶۵-۷۰ .

۲) زارعی‌فر، ابراهیم. (۱۳۸۶). «الموسیقی فی الشعرالاجتماعی عند حافظ ابراهیم». *مجله‌ی ایرانی زبان و ادبیات عربی*. دوره سوم. شماره هفتم. صص، ۲۳-۳۹.

۳) علی مرتضی، مطهره. (۱۳۸۶). «عفت حجاب و دیدگاه‌ها». *فصلنامه بانوان شیعه*. شماره ۱۱.

۴) غیبی، عبدالاحد. (بی‌تا). «تجدید و نوگرایی در شعر شاعران نئوکلاسیک مصر». *مجله دانشکده ادبیات وعلوم انسانی دانشگاه تهران*. صص، ۱۷۹-۱۹۳ .

۵) فلاحی، کتایون. (بی‌تا). «علم و فقر در شعر حافظ ابرهیم». *مجله‌ی دانشکده‌ی علوم انسانی*. شماره‌ی پیوسته‌ی ۱۰. صص، ۱۵۱-۱۶۸ .

۶) گندم آبادی، محبوبه. (۱۳۸۴). «تبیینی بر مسأله حجاب». فصلنامه بانوان شیعه. شماره سوم. سال دوم.

۷) میرزایی، فرامرز؛ نصیحت، ناهید. (۱۳۸۴). «روش گفتمان‌کاوی شعر». مجله‌ی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی. شماره۴. صص، ۴۳-۶۷.

۸) میر ممتاز، اکرم السادات. (بی‌تا). «نقد قصیدهٔ تربیهٔ البنات للشاعر الکبیر حافظ ابراهیم». *مجله‌ی آفاق الحضارة الاسلامیة*. شماره ۱۵. سال هشتم. صص، ۳۹۷-۴۱۴ .

سایت‌ها

۱) http://www.noormags.com/view/Magazine/ViewPages.aspx?ArticleId=۱۵٤۱۷۳

۲) http://www.iaal.ir/magazine/magazin۷.htm

۳) http://www.magiran.com/ppdf/٤۸۷۲/p۰٤۸۷۲۰۰۱۱۲۲۹۱-YVN۲UO.pdf

٤) http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/۵۸۱۱۳۸۷۱۸٦۰۹.pdf

۵) http://www.noormags.com/view/Magazine/ViewPages.aspx?ArticleId=۳۲۵٤۷٦

٦) http://w۳ww.noormags.com/view/Magazine/ViewPages.aspx?ArticleId=۲۳۷۰۵۸

http://www.noormags.com/view/Magazine/ViewPages.aspx?ArticleId=۱۳۷۷۹۲

التنظيرات و النقد فى الأدب العربي
السنة الثانية، العدد ٦، صيف ١٤٠١
صص: ١٠٢-٨٧

DOI: ١٠,٢٢٠٣٤/ JRAL.٢٠٢٥,٥٢٥٩٢٩,١٠٦٠

گفتمان‌کاوی نقد در قصیده تربیة البنات حافظ ابراهیم

مهدیه زمانی [١]

نسرین عباسی [٢]

(تاریخ الوصول: ١٤٠٤,٠٣,٠٥، تاریخ القبول: ١٤٠٤,٠٦,٠٣)

الملخص

یعد الخطاب التحلیلي أحد الموضوعات القیمة في النقد الحدیث، الذي یدرس عناصر اللغة، و الموسیقی الشعریة (الموسیقی اللفظیة و الروحیة)، و الصور، و العاطفة أو التجربة الإنسانیة، و أخیرًا العنصر التناصي لإظهار جمال القصیدة. یعد حافظ إبراهیم من کبار شعراء عصر الحرکة في مصر. اهتم بالقضایا الوطنیة و الاجتماعیة في قصائده؛ لدرجة أنه اشتهر کشاعر قومي و اجتماعي. قصیدة "تربیة البنات" هي إحدی قصائده الشهیرة، و کما یوحي اسمها، فقد کتبها في سیاق تعلیم الفتیات بمواضیع سیاسیة و اجتماعیة، کما أن الجمل السابقة هي مقدمة لمعالجة الغرض الرئیسي من القصیدة. استخدام الوزن "المثالي"، و هو من الأوزان الدقیقة و المستخدمة علی نطاق واسع في الأدب المعاصر، إلی جانب الموسیقی اللفظیة و الروحیة في القصیدة، و کذلك الکلمات و العبارات و الأفعال البسیطة و الممتعة، و المصفوفات الأدبیة في القصیدة. و القصیدة، بالإضافة إلی الإشارة إلی القضایا الراهنة للمجتمع في شکل صور محسوسة و عناصر تناصیة، کل ذلك أضاف إلی دینامیکیة هذه القصیدة و ضاعف جمالها.

الکلمات المفتاحیة: الخطاب الاستکشافي، النقد الشعري، قصیدة تدریب البنات، الموسیقی الشعریة، حافظ إبراهیم.

---

١. طالبة دکتوراه في اللغة العربیة وآدابها، کلیة العلوم الإنسانیة، جامعة بو علي سینا، همدان – إیران، البرید الإلکتروني: sh.zamani٨٧@gmail.com

٢. دکتوراه في اللغة العربیة وآدابها، کلیة العلوم الإنسانیة، جامعة بو علي سینا، همدان – إیران، البرید الإلکتروني: nasrinabasi١٠@yahoo.com